

نسخه‌ای ناقص از شرح احوالات امامزاده ابوجعفر



یکی از مشکلاتی که درباره زندگی امامزادگان در ایران مطرح است نبود تاریخ جامع و شرح و احوالات معلوم آنهاست. شاید «صحیفه جعفری» اثر سید محمد بن ناصرالحق بن سعدالحق بن محمد حسینی کاظمی نوریخس از نمونه‌های انگشت‌شماری است که به طور مستقل به شرح و احوالات امامزاده ابوجعفر پرداخته است. البته **محمدرضا ابونئی مهریزی** مصحح کتاب می‌گوید از این اثر تنها یک نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که آن هم ناقص است.

محمد بن علی بن عبیدالله بن احمد شعرانی بن علی غریبی بن امام جعفر صادق (ع) که در افواه مردم یزد مشهور به امامزاده جعفر است، بزرگترین امامزاده یزد به شمار می‌رود. صحیفه جعفری جزئی از یک مجموعه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۸۶۷ است. رساله مزبور در روزگار شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ - ۹۲۰ ق) به سال ۹۶۲ تألیف شده است. آنچه در ادامه می‌آید گفت‌وگو با مصحح این کتاب است.

در ابتدا درباره کتاب «صحیفه جعفری» و تأثیری که در اوضاع و احوال شناخت امامزادگان در زمان خود داشته است کمی توضیح دهید.

«صحیفه جعفری» در سال ۹۶۲ هجری توسط یکی از افراد سید محمد نوریخس نگارش شده است که طریقتی به نام خودشان داشتند و در نواحی مختلف ایران، این طریقت را گسترش می‌دادند. این اثر در یزد در زمان شاه طهماسب صفوی به رشته تحریر درآمده است که موضوع آن شرح احوال امامزاده ابوجعفر است. در شرایط قرن دهم هجری که ما اشاعه و گسترش مذهب جعفری را شاهد هستیم این اثر تنها کتابی است که به طور مستقل در احوال این امامزاده نوشته شده است. البته کمابیش در آثار دیگر هم در مورد شرح احوال امامزاده ابوجعفر نوشته شده است.

آیا علاوه بر این صحیفه، صحیفه دیگری نیز در منطقه‌ای مانند یزد و اطراف آن برای امامزاده‌های دیگر یافت شده است؟
من در یزد جستجوهای زیادی کردم و رساله مستقل دیگری درباره احوال امامزاده‌های دیگر ندیدم. البته در لابلای متون مختلف کمابیش اشاراتی شده است؛ برای مثال سید رکن‌الدین یزدی که در اوایل قرن هشتم هجری زندگی می‌کرد و مقارن با سلطنت سلطان ابوسعید بهادرخان آخرین ایلخان بزرگ بود کتاب «جامع الخیرات» را نوشته است که این اثر همانطور که از اسمش پیداست یک رساله است در توصیف موقوفات این شخص است و در لابلای اشارات به شهر یزد و موقوفات خودش.

حال امامزاده ابوجعفر چه تفاوتی با دیگران داشته که درباره او اثر مستقلی نگارش شده است؟

گزارش‌های تاریخی در دسترس است که گویا او اولین شخص از سادات بزرگوار علوی است که در شهر یزد مدفون و مرقد ایشان به یک زیارتگاه تبدیل شده است. در حقیقت این حق تقدم باعث شده این امامزاده صاحب تشخیص شود. بنابراین آنچه از منابع به دست می‌آید یزد از نواحی ایران است که تا حدود سده چهارم هجری جریان اسلام‌پذیری در آن تصویب نشده بوده و آنچه از کتاب «مسالك الممالک» اثر اصطخری به دست می‌آید در فارس جایی وجود نداشته که آتشکده‌ای در آن روشن نبوده باشد. در قرن چهارم هجری آثار نشان می‌دهد که آیین زرتشتی در فارس هنوز رواج زیادی دارد. از اواخر قرن چهارم و اوایل پنجم است که خصوصاً با فراگیر شدن طریقت مُشیریه شاهد گسترش اسلام و ترویج آن در این نواحی بودیم. با توجه به قراین و شواهد در اوایل قرن پنجم امامزاده ابوجعفر به یزد تشریف بردند و با جریان تثبیت اسلام در قرن پنجم تشخیص این امامزاده همزمان با احداث مسجد جامع یزد شکل گرفت. اهمیت این امامزاده را ما در این راستا به جهت حق تقدم نسبت به دیگر امامزادگان می‌دانیم.

شما در مقدمه کتاب به انعکاس سفر امام رضا (ع) در خلال زندگی امامزاده ابوجعفر اشاره کرده‌اید. مولف این موضوع را چگونه بیان کرده است؟

یزد از جمله نواحی است که در مسیر حرکت تاریخی امام رضا (ع) به مرو است. در منابع اسلامی جسته و گریخته به آن اشاره شده است. با عنایت به اهمیت حرم مقدس امام رضا (ع) - هرچند بین سفر امام رضا (ع) و زندگی امامزاده ابوجعفر فاصله تاریخی بسیاری دارد - ولی مولف بین دو واقعه نزدیکی ایجاد می‌کند یعنی امام رضا (ع) که به عنوان امام اثنی‌عشر که مرقد ایشان در خراسان واقع شده است و امامزاده ابوجعفر به عنوان یک امامزاده صاحب تشخیص. از سوی دیگر نویسنده متوجه این مطلب بوده است که امام رضا (ع) از یزد عبور کرده و قدمگاه‌هایی در مسیر حرکت به مرو شرح می‌کند و از سوی دیگر امامزاده ابوجعفر به عنوان پیشگام امامزادگان در یزد مدفون شده است. مولف از این نگاه و نگاهی که به جهان‌بینی شیعه دارند و موضوع سادات علوی یک پیوند عاطفی، تاریخی و جغرافیایی میان امام رضا (ع) در خراسان و امامزاده ابوجعفر در یزد برقرار می‌کند و روی این موضوع تمرکز ویژه داشته است.

در اثر اشاره کرده‌اید که اثر از روی نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی تصحیح شده است. آیا نسخه‌های دیگری از این اثر وجود داشته است؟

متأسفانه در جست‌وجویی که ما کردیم تنها همین یک نسخه از «صحیفه جعفری» شناخته شده و جای دریغ بسیار دارد که همین یک نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی هم ناقص است. یعنی از انتهای اثر بخش قابل توجهی افتاده است. آنچه که موجود است تنها بخش‌های اول نسخه است و باقی نسخه وجود ندارد و در کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران تنها نسخه همین است. نکته قابل توجه این است که در آثار نویسندگان دوره صفویه که به تاریخ و جغرافیای یزد اشاره کرده‌اند، هیچ اشاره‌ای به این امامزاده نیست. جست‌جویی که در متون مختلف کردم تنها سام میرزا صفوی در «تحفه سامی» خود اشاراتی کرده است. اما مستوفی بافقی که شغل موقوفات را داشته ظاهراً از این اثر بی اطلاع بوده و اگر به صحیفه جعفری دسترسی داشت در خلال احوال امامزاده ابوجعفر حتماً اشاره‌ای به صحیفه جعفری می‌کرد.

بعد از صحیفه جعفری چه کار در دست تألیف یا تصحیح دارید؟

کتاب «تاریخ هرات» را با کمک محمدحسین میرحسینی و با مقدمه استاد ایرج افشار سال‌ها پیش توسط موسسه پژوهشی میراث مکتوب منتشر کردم که هم‌اکنون مشغول تصحیح متن و نگارش تعلیقات آن هستم. کتاب دیگری که در دست دارم «تاریخ شاهزاده بهرام میرزا» است که آن هم یک نسخه شناخته شده دارد که تصحیح آن هم‌اکنون در حال انجام است.

رساله صحیفه جعفری (شرح احوال امامزاده ابوجعفر عریضی در یزد) با مقدمه و تصحیح محمدرضا ابوثی مهریزی، در ۱۲۲ صفحه به بهای ۲۰ هزار تومان برای نخستین بار از سوی مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب و با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری ریحانه الرسول منتشر شده است.

- منبع: خبرگزاری ایبنا